

مردمانی که در آن دستگاه‌ها پرورش پیدا می‌کردند، عادت داده می‌شدند که هیچ چیزی را بر خلاف میل و هوای خلیفه، بر زبان نیاوردند. این، چه جامعه‌ای است؟! این، چطور انسانی است؟! این، چطور اراده الهی و اسلامی در انسان‌هاست که بخوانند مفاسد را اصلاح کنند و از بین ببرند و جامعه را جامعه‌ای الهی درست کنند؟! آیا چنین چیزی، ممکن است؟!

جاحظ و یا شاید ابوالفرج‌صافهسانی نقل می‌کند که معاویه در دوران خلافتش، با سب به مکه می‌رفت. یکی از رجال آن روز هم در کنار او بود. معاویه سرگرم صحبت با آن شخص بود. پشت سر اینها هم عده‌ای می‌آمدند. معاویه مفاخر اموی جاهلی خودش را نقل می‌کرد که در جاهلیت، اینجا این‌طوری بود، آن‌طوری بود، پدر من ابوسفیان – چنین کرد، چنان کرد، بچه‌ها هم در مسیر، بازی می‌کردند و ظاهرآ سنگ می‌انداختند. در این بین، سنگی به پیشانی کسی که کنار معاویه اسب می‌زدند و حرکت می‌کرد، خورد و خون جاری شد. او چیزی نگفت و حرف معاویه را قطع نکرد و تحمل کرد. خون، روی صورت و محاسنش ریخت. معاویه همین‌طوری که سرگرم صحبت بود، ناگهان این‌طوری مرد برگشت و دید خون روی صورت اوست، گفت: از پیشانی تو خون می‌ریزد. آن فرد، در جواب معاویه گفت: خون؟! از صورت من؟! کو؟ کجا؟ اومدم کرد که از بس مجذوب معاویه بوده، خوردن این سنگ و مجروح شدن پیشانی و ریختن خون را نفهمیده‌است! معاویه گفت: عجیب، سنگ به پیشانی‌ت خورده، ولی تو نفهمیدی؟! گفت: نه، من نفهمیدم. دست زد و گفت: عجیب، خون؟! بعد به جان معاویه و با مقدسات قسم خورد که تا وقتی تو نگفتی، شیرینی کلام تو نگذاشت که بفهمم خون جاری شده‌است! معاویه پرسید: سبم عملیات در بیت‌المال، چقدر است؟ مثلاً گفت: فلان قدر. معاویه گفت: به تو ظلم کرده‌اند، این را باید سه برابر کنند! این، فرهنگ حاکم بر دستگاه حکومت معاویه بود. کسانی که در این دوران، تملق رؤسا و خلفا را می‌گفتند، کارها در دست آنها بود. کارها بر اساس صلاحیت و شایستگی‌شان واگذار نمی‌شد. اصولاً عرب، به اصل و نسب خیلی اهمیت می‌دهد. فلان کس، از کدام خانواده‌است؟ پدرانش، چه کسانی بودند؟ اینها حتی اصل و نسب را هم نمی‌کردند. در زمان عبدالملک و بعضی پسرهای او، یک نفر به نام یوسف‌بن‌عمر ثقفی را مدت‌ها مدید بر عراق گماشتند. او سال‌ها حاکم و والی عراق بود. این شخص، آدم عقده‌ای بدبختی بود که از عقده‌ای بودنش، چیزیهای نقل کرده‌اند. مرد کوچک‌تنه و کوچک‌اندامی بود که عقدهٔ کوچکی جثهٔ خودش را داشت، وقتی که پارچهای کوچک می‌داد تا بپوشد، از خیاط سؤال می‌کرد که آیا این پارچه به اندازهٔ تن من است؟ خیاط به این پارچه نگاه می‌کرد و اگر مثلاً می‌گفت این پارچه برای اندام شما اندازه‌است و بلکه زیاد هم می‌آید، فورا پارچه را از این خیاط می‌گرفت و دستور می‌داد که او را مجازات هم بکنند! خیاط‌ها این قضیه را

فهمیده بودند. به همین خاطر، وقتی پارچه‌ای را به خیاط عرضه می‌کرد و می‌گفت برای من بس است یا نه، خیاط نگاه می‌کرد و می‌گفت نه، این پارچه ظاهرآ برای خیلی بزرگ‌تر است. تا آن را مناسب تن شما در بیاوریم! او هم با اینکه می‌دانست خیاط دروغ می‌گوید، ولی خوشش می‌آمد؛ این‌قدر احمق بود! او همان کسی است که زمین‌بعلی علیه‌الصلاةوالسلام را در کوفه به

شهادت رساند. چنین کسی، سال‌ها بر جان و مال و عرضٔ مردم مسلط بود. نه یک اصل و نسب درستی، نه یک سواد درستی، نه یک فهم درستی داشت؛ ولی چون به رأس قدرت وایسته بود، به این سبمت گماشته شده بود. اینها اقت است. اینها برای یک نظام، بزرگ‌ترین آفت‌هاست. این جریان، همین‌طور ادامه پیدا کرد. در کنار این، جریان مسلمانی اصیل، جریان اسلام ارزشی، جریان اسلام قرآنی – که هیچ‌وقت با آن جریان حاکم، اما ضد ارزش‌ها کنار نمی‌آمد – نیز ادامه پیدا کرد که مصداق بارز آن،

آگهی تصمیمات شرکت اکتو درکو سهامی‌خاص به شمارهٔثبت ۱۶۵۶۵ و شناسهٔ ملی ۱۰۱۰۰۵۹۴۱۴۸

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۷/۲۳ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۸/۳ واصل گردید اعضاء هیئت‌مدیره به مدت ۲سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند. علینصر نراقی به کدملی ۰۰۴۷۵۸۶۳۴ و نهاله نراقی به کدملی ۰۰۴۷۵۸۶۳۴ و فروردین طاهیان به کدملی ۰۰۵۲۹۳۷۱۷۰۶– به موجب صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۹۱/۷/۲۴ علینصر نراقی به سمت رئیس هیئت‌مدیره و نهاله نراقی به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق واسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک سفته برات با امضاء مدیرعامل و یا رئیس هیئت‌مدیره و یا فروردین طاهیان هر کدام به تنهایی همراه یا مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

مالف ۹۰۶۵۲

کد درخواست:۱۷۹۱۶۷۹۰

آگهی تغییرات شرکت تولیدی (روکش صنعت دانیال سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۷۴۰۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۸۹۵۷۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

۱ – اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۲/۷/۲۵ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:

خانم افسانه مرشدی به شماره ملی ۴۵۷۹۲۶۴۳۹۸ و آقای علی‌رضا رضوی به شماره ملی ۰۰۱۳۶۲۲۱۷۱ و خانم سعیده مرشدی به شماره ملی ۴۵۷۹۲۹۶۱۳۳ تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۵.

در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۴ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

ادره ثبت شرکتها وموسسات غیرتجاری واحد ثبتی تهران

م الف ۹۰۶۶۰



صلح بر امام تحمیل شد

لنمۀ هدی‌علیهم‌الصلاوة‌و‌السلام و بسیاری از مسلمانان همراه آنان بودند. به برکت امام حسن مجتبی علیه‌الصلاة‌والسلام، این جریان ارزشی نهضت اسلامی، اسلام را حفظ کرد. اگر امام مجتبی این صلح را انجام نمی‌داد، آن اسلام ارزشی نهضتی باقی نمی‌ماند و از بین می‌رفت؛ چون معاویه بالاخره غلبه پیدا می‌کرد. وضعیت، وضعیتی نبود که امکان داشته باشد امام حسن‌مجتبی‌علیه‌السلام غلبه پیدا کند. همهٔ عوامل، در جهت عکس غلبۀ امام مجتبی‌علیه‌السلام بود. معاویه غلبه پیدا می‌کرد؛ چون دستگاه تبلیغات در اختیار او بود. چهرهٔ او در اسلام، چهره‌ای نبود که نتوانند موجه کنند و نشان بدهند.

اگر امام حسن صلح نمی‌کرد، تمام ارکان خاندان پیامبر را از بین می‌بردند و کسی را باقی نمی‌گذاشتند که حافظ نظام ارزشی اصیل اسلام باشد. همه چیز به‌کلی از بین می‌رفت و ذکر و قرآن‌اسلام برمی‌افتاد و نوبت به جریان عاشورا هم نمی‌رسید. اگر بنا بود امام مجتبی‌علیه‌السلام، جنگ با معاویه را ادامه بدهد و به شهادت خاندان پیامبر منتهی بشود، امام حسین هم باید در همین ماجرا کشته می‌شد، اصحاب برجسته هم باید کشته می‌شدند، جبرین‌عدی‌ها هم باید کشته می‌شدند، همه باید از بین می‌رفتند و کسی که بماند و بنیواد آن فرصت‌ها استفاده بکند و اسلام را در شکل ارزشی خودش بازم حفظ کند، دیگر باقی نمی‌ماند. این، حقّ عظیمی است که امام مجتبی‌علیه‌الصلاة‌والسلام بر باقی اسلام دارد.۱۳۶۹/۱/۲۲ البته صلح، تحمیلی بود؛ اما بالاخره صلحی واقع شد. باید گفت حضرت،

«البته صلح، تحمیلی بود؛ اما بالاخره صلحی واقع شد. باید گفت حضرت، دل نداد. همین شرایطی که حضرت قرار داد، در واقع پایهٔ کار معاویه را متزلزل کرد. خود این صلح و شرایط امام حسن علیه‌السلام هم‌هاش یک مکر الهی بود. «و مَکْرُوا و مَکْرَالَهُ» بود. یعنی اگر امام حسن می‌جنگید و در این جنگ کشته می‌شد، که به احتمال قوی به‌دست اصحاب خودش که جاسوسان معاویه این‌ها را خریده بودند، کشته می‌شد.» معاویه می‌گفت من نکشتم؛ اصحاب خودش کشتند. به عزاداری هم می‌پرداخت و بعد تمام اصحاب امیرالمؤمنین را تار و مار می‌کرد. یعنی، دیگر چیزی به نام تشیع باقی نمی‌ماند تا عده‌ای در کوفه پیدا شوند و

پاورقی

بعد از بیست سال، امام حسین علیه‌السلام را دعوت کنند. اصلاً چیزی باقی نمی‌ماند. امام حسن علیه‌السلام شیعه را حفظ کرد، یعنی بنا را حفظ کرد تا بعد از بیست سال، بیست‌ونج سال، حکومت به اهل‌بیت برگردد.۱۳۷۹/۳/۱۲ پس از اینکه امام حسن(ع) با معاویه صلح کرد، نادانان با ناگاهان با زبان‌های مختلف حضرت را نکوهش می‌کردند؛ گاهی او را ذلیل‌کنندهٔ مؤمنین^۱ می‌دانستند، و می‌گفتند شما این مؤمنین پرشور برحسام‌های که درمقابل معاویه قرار داشتند، با صلح خودتان خوار گردید و تسلیم معاویه نمودید، گاهی تعبیرات مرتعانه‌تر و مؤدبانه‌تری به کار می‌بردند ولی مضمون یکی بود.

امام حسن(ع) در برابر این اعتراض‌ها و ملامت‌ها جمله‌ای را خطاب به آنان

می‌گفتند که شاید در سخنان آن حضرت از همهٔ جملات رساتر و بهتر باشد و

آن جمله این است: «ها تَدْرِي لِمَلَّةٌ فُتِنَتْ لِمَ و مَلَأَ الْحِینَ ؟» چه می‌دانی و از کجا می‌دانی، شاید این، یک آدمونی برای شما است؟ و شاید یک متاع و بهره‌ای برای معاویه تا زمانی محدود، و این جمله اقتباس از آیه قرآن است، این، به روشنی نشان می‌دهد که حضرت در انتظار آینده‌ای است، و آن آینده، چیزی جز این نمی‌تواند باشد که حکومت غیرقابل قبول انظر امام حسن(ع) که بر حق نیست باید کنار برود و حکومت مورد نظر سر کار بیاید. لذا به اینها می‌گوید که شما از فلسفهٔ کار اطلاع ندارید. چه می‌دانید شاید

صلحتی در این کار وجود دارد؟

امام حسن(ع) در آغاز صلح، دو نفر از سران شیعهٔ مَسِيَّبِيْنَ نَجْبَةَ و سلیمان‌بن‌ضَرَدَ – با عده‌ای از مسلمانان خدمت امام مجتبی مشرف شدند. گفتند ما نیروی زیادی داریم، از خراسان و از عراق … و اینها را در اختیار شما می‌گذاریم و حاضریم معاویه را تا شام تعقیب کنیم. حضرت آنها را در خلوت به حضور خواستند و مقداری از آنان سخن گفتند. پس از اینکه بیرون آمدند آرام شده بودند، و نیروهایشان را رها کرده و پاسخ روشنگری هم به عدهٔ همراهان خودشان ندادند.

طه‌حسین^۲ مدعی است که این دیدار درحقیقت سنگ زبیربنی‌اصلی مبارزات کربلا را گذاشت، یعنی می‌خواهد بگوید امام حسن(ع) با اینها نشستند و مشورت کردند، و در همین دیدار تشکیلات شعبی را به‌وجود آوردند. بنابراین در زندگی امام حسن(ع) و در کلمات این بزرگوار، این معنی واضح است، گرچه در آن دوران زمینهٔ چنین قیامی آماده نبود، زیرا رشد مردم کم و تبلیغات و امکانات مالی دشمن خیلی فراوان بود. دشمن از شیوه‌هایی استفاده می‌کرد که امام حسن نمی‌توانست از آن شیوه‌ها استفاده کند، مثل دادن پول‌های بی‌حساب، جمع کردن افراد غیرموجه و ناصالح که امام از این کارها نمی‌توانست بکند، چرا که دست او باز بود، و دست امام حسن بسته‌بندار اسلام^۳.^۴ روایتی از حضرت صادق‌سلام‌الله‌علیه است که می‌فرماید: «وَقَتَّ هَذَا الْأَمْرَ فِي السَّبْعِيْنَ» که در تقدیرات الهی این بوده که با فاصلهٔ سی سال از شهادت امیرالمؤمنین سلام‌الله‌علیه و ده سال بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام امر حکومت به‌دست اهل‌بیت برگردد. منتها، نتیجهٔ به این بزگری، کی حاصل می‌شود؟ وقتی مردم، مقدماتش را با اراده و با تصمیم خودشان فراهم کرده باشند. خدای متعال که با کسی قوم و خویشی ندارد کاری که به عهدهٔ مردم بود، انجام دادند؛ اما کاری که به عهدهٔ خواص بود – از عبدالله‌جعفر و عبدالله‌عباس تا بقیه – انجام نشد. حتی همان‌هایی که بعد به کربلا آمدند و همراه با امام حسین جنگیدند، در زمان جناب مُسَلِّمِ، کاری که باید می‌کردند، نکردند. کوفتهی کردند، و آل‌مسلم آن‌طور نمی‌شد. باید قاضیه را تمام می‌کردند که نکردند. خوب؛ این نکردن‌ها، موجب شد که حادثهٔ کربلا پیش آید.

۱. (عربی) آبرو، ناموس
۲.سوره مبارکه آل‌اعراف/ آیهٔ ۵۴، «آنها دشمنان! مکر کردند و خدا هم ادر پاسخ آنها! مکر در میان آورد»
۳.بخلاف‌عقول/ص ۳۰۸، «یا مَدْلُ الْعُمُوْمِيْنَ»
۴.تغافل‌الاولیاء/ ص ۴۳، «برگرفته از آیهٔ ۱۱۱سوره مبارکه انبیا: «و نمی‌دانم، شاید آن برای شما آزمایشی و امتحان! و املهلت! برخورداری تا زمانی اُمعین! باشد.»
۵. نویسنده و مورخ معاصر مصری
۶.الکافی/ج ۱/ص ۳۶۸، «همانا خدای متعال، وقت این امر را در سال هفتاد قرار داد.»

آگهی مصر وراثت

آقای داراب شهرت موسوی نام پدر ناصرقلی به شناسنامه ۲۰۴۴ صادره از مسجد سلیمان درخواستی به خواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که مرحومه بسونیا شهرت موسوی به شناسنامه ۵ – ۰۸۳۷۶۰ – ۱۹۶ صادره مسجد سلیمان در تاریخ ۹۰/۱/۱۹ در اهواز اقامتگاه هفتکل فوت ورئه‌اش عبارتند از:
۱- داراب موسوی فرزند ناصرقلی ش‌ش ۲- پدر متوفی ۲- کبری البرزینا فرزند بهزاد ش‌ش ۱۵۵۴۱ مادر متوفی و لاغیر…

اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در

یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض دارد یا

وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی

ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر

و هر وصیت‌نامه به جز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

علی‌مردای قاضی شورای مل اختلاف شهرستان هفتکل

خوهران/ ماشالله احمدی دادخواستی به طرفیت/ خواندگان جلال قیابلخواه و تعاونی اعتبار صالحین به شماره ثبت ۱۲۱۶۳ و علی میراخارلو به خواسته ابطال سند (موضوع سند مالی است) تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان گرمسار نموده که جهت رسیدگی به شعبه دوم دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان گرمسار واقع در گرمسار ارجاع و آن کلاسده ۰۰۴۶۱۳-۹۹۸۲۵۰۴۰ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۱/۱۱/۱۶ و ساعات ۹ تعیین شده است. به علت مجهول‌المكان بودن خواننده تعاونی اعتبار صالحین و درخواست خوهران و به تجویز ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کنترالانتشار آگهی می‌شود تا خواننده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام شناسای کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمانت را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

مدیر دفتر شعبه دوھ دادگاه عمومی(مقوقی) شهرستان گرمسار – شقاقی

م ۴۵۲ الف

آگهی تصمیماتشرکت پارس توسعه سهامی خاص به شماره ثبت ۷۷۹۲۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۸۳۲

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۶/۲۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۷/۲۵ واصل گردید ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. کریم جلیل‌نژاد ممقانی به کدملی ۰۰۷۱۲۰۰۳۷۱ به سمت بازرس اصلی و محمد محمدی به کدملی ۰۰۳۲۲۰۶۷۶۴۲ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
مالف ۹۰۶۵۵

رمزگشایی از نامه سیدجمال به میرزای شیرازی

دکتر موسی نجفی

۴. غلؤ تاریخی – سیاسی در مورد تأثیر نامه سیدجمال‌الدین به میرزای شیرازی

از جمله مواردی که در نهضت تحریم تنباکو یا به اجمال و یا به صورت غیردقیق بدان اشاره می‌شود، نامه اول مرحوم سیدجمال‌الدین اسدآبادی به آیت‌الله میرزا حسن شیرازی است. صرف‌نظر از محتوای نامه که نوعی بحث درباره اندیشه سیاسی سید را می‌طلبد، بحث ما بر روی تأثیر تاریخی این نامه است. در این مورد، مناسب است دیدگاه خود را مطرح کنیم:
اول: سیدجمال‌الدین از تأثیرات بین‌المللی و ارزشهای مبارزاتی فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است. اندیشه و مبارزات او نه‌تنها در زمان حیاتش، بلکه در دهه‌های بعد و حتی تا به امروز تأثیرگذار و بحث‌انگیز و حتی محوری بوده است.

دوم: زمانی که سیدجمال‌الدین را در مبارزه و سستیز و یا ارتباط با دربارها، سلاطین، رجال، غربیها و یا نویسندگان و روشنفکران بررسی می‌کنیم، برجستگی شخصیت و با فکر و مبارزات سید در این مورد، قابل تقدیر و به نحوی برجسته و درخشان است که خواننده و محقق این مقاطع و مجوزها را بی‌اختیار مجذوب می‌کند.

اما بحث در اینجا، تأثیر نامه سیدجمال‌الدین بر روی شخصیت عظیمی مانند نایب‌الامام میرزای شیرزای – مجدد مذهب در قرن چهاردهم –است؛ و به همین دلیل به نظر می‌رسد مطلب با باید با احتیاط دنبال کرد. کسانی که در بحث سیدجمال‌شناسی به دنبال اثبات این تأثیر بوده و هستند، در سطح تحلیلهای مختلف و طیفهای گوناگون، به اهدافی متفاوت این مطلب را در تاریخ مطرح می‌کنند: الف: از آنجا که تنها سرنخ دخالت مستقیم سیدجمال در قضیه تنباکو، این نامه و نامه بعدی او است، گروهی می‌خواهند در کنار سایر امتیازات سیدجمال، این افتخار تاریخی را هم برای وی به اثبات برسانند^۱.

ب: گروهی دیگر به دنبال

این نکته هستند که افتخار بزرگ تحریم تنباکو را به بیرون از حوزه مرجعیت شیعه انتقال بدهند و اصولاً پایگاه عظیم مرجعیت را فاقد درک سیاسی و بیشش خودجوش در شناخت استعمار و غرب معرفی کنند؛ و لذا نامه‌سیدجمال‌الدین را بهترین سند برای اثبات این موضوع مطرح می‌کنند که این حرکت افتخارآمیز هم تحت تأثیر حوزه‌های فکری بیرون از مرجعیت بوده است.

ج: سیدجمال‌الدینی که مورد نظر برخی از این گروهها و جریانات فکری و سیاسی است، سیدجمال‌الدینی باقرات روشنگرانه، مرتبط با روشنفکران و منوّرالفکران غربگرا و دارای جنبه‌های غیراصیل معنوی و روشنفکرانه است.

سوم: واقعیتهای تاریخی، جنبه خط‌دهندگی نامه سیدجمال را بر میرزای شیرازی تأیید نمی‌کند؛ چرا که قرآنی که در نامه وجود دارد،

صفحه ۶
شنبه ۹ دی ۱۳۹۱
۱۵ صفر ۱۴۲۴ – شماره ۲۰۳۹۳



نشان می‌دهد این نامه در زمان تبعید مرحوم سیدعلی اکبر فال اسیری مجتهد شیرازی در توقف وی در بصره، نوشته شده و نامبرده واسطه رساندن آن به مرحوم میرزا بوده است، لذا زمان نگارش نامه در اواسط نهضت تنباکو بوده است، و این در حالی است که در نامه‌ها و مکاتبات اولیه میرزای شیرازی با شاه و صدراعظم و سایر علما، مطالب مربوط به بانک و قراردادهای خارجی و نفوذ استعمار نکات فراوانی ذکر شده است و حتی درگیریهای خطه فارس در شیراز و تبعید مرحوم فال اسیری به خوبی مؤید این نکته است که همه این اقوال و اعمال زمانی صورت گرفته است که نامه سیدجمال‌الدین نوشته نشده بود. قرینه دیگر در خصوص عمق تفکر مرحوم میرزا در استفاده از تفکر و سلاح تحریم، به دو سال قبل از قرارداد تنباکو و نقطه اوچش در سالیهای مبارزه علیه قرارداد رزی بوده است. بنابراین، نامه سیدجمال‌الدین نه خط‌دهنده برای القای فکر تحریم به میرزا، بلکه صرفاً می‌تواند هشدار برای وخیم‌شدن اوضاع ایران باشد و این نامه باید در ردیف دهها نامه و تلگراف دیگر از سوی علما و رجال و مصلحین بزرگ ایران خطاب به میرزا تلقی شود هرچند که نویسنده‌اش فردی نامدل و بزرگ بوده است.

چهارم: صرف‌نظر از نامه سید جمال‌الدین به میرزای شیرای، این واقعیت تاریخی را باید بدین‌تک مرام و مشرب بخوانیم:
۱. که: به محیط طباطبایی، نقش سیدجمال
۲. محمدتقی آملی، ولایت‌فقیه زبیرنای فکری مشروطه مشروعه، تهران امیرکبیر. ۱۳۲۳. صص ۱۷۴ – ۱۷۷.

ردیف	موضوع مناقصه	شماره مناقصه	میزان سپرده
۱	نگهداری، سرویس و تعمیرات ساختمان و تأسیسات ساختمانهای ناحیه ۲(چام‌چم)	۹۱/۴۰	۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	نگهداری، سرویس و تعمیرات ساختمان و تأسیسات ساختمانهای ناحیه۳(چام چم)	۹۱/۴۱	۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰
۳	نگهداری، سرویس و تعمیرات ساختمان و تأسیسات ساختمانهای شهرک سینمایی غزالی	۹۱/۴۲	۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰
۴	نگهداری، سرویس و تعمیرات ساختمان و تأسیسات ساختمانهای مرکز پویانمایی صبا	۹۱/۴۳	۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰
۵	نگهداری، سرویس، تعمیرات و راهبری کلیه تجهیزات منصوبه پست اختصاصی ۶۳ کیلووات ایستگاه فرستنده رادیویی بعثت (کمال‌آباد)	۹۱/۴۴	۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۶	نگهداری، سرویس و تعمیرات ساختمان و تأسیسات ساختمانهای مجموعه الوند (تیکه دو)	۹۱/۴۵	۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۷	نگهداری، سرویس و تعمیرات ساختمان و تأسیسات ساختمانهای ایستگاه رادیویی دشت قزوین	۹۱/۴۶	۱۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۸	نگهداری و سرویس ادواری ۴۹ دستگاه UPS در ۱۸ مرکز استان	۹۱/۴۷	۹۰/۰۰۰/۰۰۰
۹	نگهداری و سرویس ادواری ۲۲ دستگاه UPS در ۱۱ مرکز استان	۹۱/۴۸	۶۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۰	نگهداری، سرویس و تعمیرات ساختمان و تأسیسات ساختمانهای موتورخانه مرکزی چام‌چم	۹۱/۴۹	۲۱۰/۰۰۰/۰۰۰

(اداره کل امور کالا)

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران			
نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۷۸۰۰۰۰	۳۹۰۰۰۰	۱۹۵۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۲۴۴۰۰۰	۶۱۷۲۰۰۰	۳۰۸۵۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۲۴۴۰۰۰	۶۱۷۲۰۰۰	۳۰۸۵۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۲۳۰۰۰۰	۱۱۵۰۰۰	۵۷۵۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۳۰۰۰۰	۲۱۵۰۰۰	۱۰۷۵۰۰
مجله زن روز	۲۳۰۰۰۰	۲۱۵۰۰۰	۱۰۷۵۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۱۲۵۰۰۰	—	—
مجله کیهان کاریکاتور	۱۵۴۰۰۰	—	—

فرم تقاضا

نام:..... نام خانوادگی:..... نوع نشریه:..... تعداد نسخه:..... مدت:..... مبلغ پرداختی:..... ریال نام و کد شعبه:..... شماره فیش بانکی:..... تلفن:..... آدرس:..... که پستی:.....

شماره اشتراک:
امضاء
امور مشترکین مؤسسه کیهان
تلفن:۹-۳۳۱۱۰۲۵۱ داخلی ۲۳۲۲
نماینر:۳۳۹۱-۹۲۲ ایمیل: int-affairs@kayhannews.ir